



من به نسل های امروز و آینده می گویم، اگر می خواهید معجزه دموکراسی را ببینید و اگر مایلید دریابید و به واقع دریابید سپری بنام دموکراسی، هر ملتی را از گزند هر تجاوزی مصون می دارد، کفایت به نتایج دو جنگ جهانی در قرن بیستم نگاهی بیاننازند. دموکراسی در جنگ اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) چهار امپراتوری پر قدرت جهان را ساقط کرد:

امپراتوری اتریش، عثمانی، آلمان و روسیه ۲۷ سال بعد در جنگ دوم (۱۹۳۵-۱۹۳۹) جهان دموکرات توانست پر قدرت ترین ارتش جهان در طول تاریخ را یعنی ارتش آلمان نازی و هم پیمان های آن ژاپن و ایتالیا را از پای در آورد.

این گفته فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه بود که از ماه مه ۱۹۸۰ به مدت چهارده سال (دوبار انتخاب شد و هر بار برای ۷ سال که امروز هر دوره آن به پنج سال تقلیل یافته است) در کاخ الیزه مقر ریاست جمهوری فرانسه قرار گرفت: اما آندره فونتن روزنامه

نویس مشهور فرانسوی و جهان می گوید: 'معجزه دموکراسی و قدرت آن در قرن بیستم این بود که توانست دو ابر قدرت را یکی نظام دیکتاتوری استالین و دیگری نظام فاشیستی هیتلر شکست دهد.'

شکست یوشی از دموکراسی

و اما بنده می گویم بهترین نمونه و نشان قدرت

سال های اخیر زیر شدیدترین فشارهای واشنگتن قرار گرفت ولی او چون متکی بر ملت ونزوئلا است توانست در فرماندم اخیر پیروز شود که شکستی بزرگ برای امپریالیسم آمریکا بود. و چه گمراهند مردمانی که هنوز معبود آنها آمریکاست و تصور می کنند لشکرکشی های او برای آزادی و دموکراسی است. . .

چاوز به مخالفان خود گفت: می گوئید من استعفا دهم؟ مهم نیست، ولی اجازه دهید از ملت ونزوئلا سوال کنم. اگر آنها گفتند من از سمت خود کناره گیری کنم فوراً این کار را خواهم کرد. یک ماه پیش اوراق فرماندم بین

ملت توزیع شد (زیر نظر سازمان های جهانی و کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا) و ۵۸ درصد رای دهندگان به ابقای چاوز رای دادند و همه سازمان های جهانی نحوه فرماندم را صحیح و بدون خدشه تایید کردند.

چاوز: به کمک دموکراسی بر امپریالیسم آمریکا پیروز شد

دموکراسی در روزهای اخیر در آمریکای لاتین دیده شد. کشوری بنام ونزوئلا با فقط ۲۵ میلیون جمعیت و ارتشی که در برابر قدرت نظامی آمریکا هیچ است توانست بر آمریکا پیروز شود.

'هوگو چاوز: رئیس جمهوری ونزوئلا طی

امریکا علیه دموکراسی

ملت ونزوئلا چندین روز در کوچه و خیابان به پایکوبی و شادی پرداخت.

آیا حیرت نمی کنید از اینکه آمریکا طی همه قرن بیستم به جنگ دموکراسی ها رفت تا مزدوران خود را بر کرسی قدرت بنشانند و معذالک هنوز فریاد می زند ما میسر آزادی و دموکراسی هستیم!!!

از دهها مورد در می گذرم به ایران اشاره می کنم. مگر این بانو "مادلن اولبرایت" وزیر امور خارجه دولت کلینتون نبود که از مداخله آمریکا در ساقط کردن حکومت ملی دکتر محمد مصدق در اوت ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲) از ایران معذرت خواست؟

مگر این آمریکا نبود که حکومت مردمی "سالوادور آلنده" را ساقط و "پینوشه" نظامی را در شیلی به جای او به قدرت رساند. در گرانادا، نیکاراگوئه و بسیاری از کشورهای دیگر به نفع دیکتاتورها اقدام کرد.

مگر این آمریکا نیست که طی چهل سال صد بار تلاش کرده است فیدل کاسترو را حذف کند. سالهاست که کوبا در محاصره آمریکاست. زیرا فقط ای مردم فراموشکار، بیدار شوید و از خواب خرگوشی بیدار شوید. دریابید که هیچ بیگانه ای در فکر تو نیست. آنها منافع خود می خواهند و بس.

مگر این آمریکا نبود که در اندونزی بزرگترین کشور جهان دکتر احمد سوکارنو رهبر استقلال طلبان آن کشور را (قبلاً مستعمره هلند بود) سرنگون کرد و ژنرال سوهارتو را بجای او بر مسند قدرت نشاند به بهانه کشته شدن ۴ میلیون نفر و بعداً معلوم شد سوهارتو فاسدترین رئیس یک دولت در جهان بوده است.

بسیار تعجب خواهید کرد اگر بگویم امروز آمریکا قدرتمندترین دیکتاتوری در طول تاریخ بشر است. آنها که هنوز آمریکا را یک دموکراسی می دانند یا بی خبرند. یا از تاریخ آمریکا آگاهی ندارند و یا منافع آنها با منافع این کشور دیکتاتوری هماهنگ است.

خوابنده گرامی اگر آگاه نیستید اجازه دهید بگویم از ۱۷۷۶ که ژرژ واشنگتن اعلامیه استقلال آمریکا را اعلام کرد (این اعلامیه توسط یک مرد



میتران: دموکراسی در هر کشوری معجزه می کند

آزادیخواه و همکار ژرژ واشنگتن نوشته شد) تاکنون تحولات و تغییرات زیادی در ساختار سیاسی آمریکا روی داده است.

آمریکا امروز که مردان عضو مجلس نمایندگان و سنا کنگره آن را تشکیل می دهند با آمریکا عصر

آمریکا امروز آمریکای جفرسون نیست

آبراهام لینکلن، جفرسون و یا پرزیدنت ویلسون و فرانکلین روزولت تفاوت فاحش دارد. اعلامیه چهارده

بوش به دروغ می گوید ما میسر آزادی و دموکراسی هستیم

ماده ای پرزیدنت ویلسون را بخوانید. او صریحاً اعلام کرده است که هیچ کشوری حق مداخله در امور کشور دیگری را ندارد. بر پایه این اعلامیه پس از جنگ اول جهانی جامعه ملل متفق در ژنو بوجود آمد. در همان زمان بود که لوید ژرژ نخست وزیر انگلستان

علیرغم نظر آمریکا اجازه نداد نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ۱۹۱۸ شرکت کنند.

هنگامی که "کینلی" رئیس جمهوری آمریکا در ابتدای قرن بیستم ترور شد و "تئودور روزولت" جانشین او گردید چهره سیاسی آمریکا بکلی تغییر کرد و ویروس امپریالیستی همه سازمان سیاسی آن کشور را به تدریج بیمار کرد. واشنگتن سیاست تجاوز کارانه یا جهان خواری را در پیش گرفت.

در این زمینه کتابهای قطوری نوشته شده که اگر من بخواهم وارد جزئیات شوم از گنجایش این مقاله خارج است. امروز آمریکا عامل صهیونیست شده است چون همه چرخ قدرت آن کشور با پول صهیونیست هاست از رسانه های گروهی تا کنگره آمریکا. اسرائیل پشت صحنه همه کردار آمریکا است. در واقع همه فریادها را بر صهیونیست ها باید زد. در این زمینه باز هم سخن خواهیم گفت. اجازه دهید بازگردیم به قدرت دموکراسی که سپری خلل ناپذیر در برابر هر گونه تجاوز به هر ملتی است.

سپر دموکراسی نیکوترین و پر قدرت ترین سلاح برای یک ملت و بسیار خطرناک برای دشمن آن ملت است. ملتی که سپرش دموکراسی باشد ملتی است که دهان همه مخالفان خود را می بندد و هرگز بهانه ای بدست دشمنانش نمیدهد که حتی فکر تجاوز به آن ملت را در ذهن خود پرورش دهند.

هند بزرگترین دموکراسی جهان است با جمعیتی نزدیک یک میلیارد نفر، پیشرفت آن در همه زمینه ها از الکترونیک تا صنایع سنتی مشهود است. هرگز دیده اید که در جهان کسی جرات کند علیه رهبران آن تظاهرات کند و یا قصد حمله به آن ها را داشته باشد.

دموکراسی عامل وحدت یک ملت است. دموکراسی به یک ملت عزت می دهد. دموکراسی اعتماد ملت را به دولت و دولت را ملت جاودانه خواهد کرد.

یونان قدیم به کمک دموکراسی توانست حملات اسپارت و امپراتوری ایران را در هم بشکند و رم اقتدار دارد که نخستین مجلس سنا را بوجود آورد و نظام دموکراسی را در آن کشور برقرار کرد.